

پاسخ به نامه‌ها

آقای مهرداد طاهری

آقای مهرداد طاهری در نامه‌ای ضمن اظهار لطف به من برای "نگاهی به ترجمه عشق سالهای وبا" چند نکته را مطرح کرده‌اند که شاید برای دیگر خوانندگان نیز سودمند باشد. ایشان عقیده دارند در برخی موارد ایرادهای من "جنبه سلیقه‌ای" گرفته و آنچه مترجم آورده نیز پذیرفتنی است. نخست این که منتقد یا ویراستار نمی‌تواند یکسره فارغ از پسند خود باشد. دیگر این که در هر نقد ترجمه جدا از خطاهای نمایان مترجم، منتقد برابری را پیشنهاد می‌کند که به گمان او اگر نه درست تر، دست کم زیباتر یا رساتر است. طبعاً این دو مورد از هم جداست و در نوشته من نیز فکر می‌کنم، آنچه نادرست بوده با تأکید بیشتر مطرح شده و اگر موردی سلیقه‌ای بوده چندان بر آن پای نقرده‌ام. باری مواردی که ایشان یاد کرده‌اند چنین است:

- ۱- آوردن نیمتته به جای کت آیا اشکالی دارد؟ پاسخ این است: شاید خطای فاحشی نباشد. اما اگر مادر محاوره یا حتی در نوشتن واژه "کت" را به کار می‌بریم، چرا در ترجمه از آن استفاده نکنیم. نیمتته را ما برای جامه‌های دیگر به کار می‌برده‌ایم، چرا این مرز را مخدوش کنیم؟ خود من هر وقت به واژه "نیمتته" برمی‌خورم چیزی غیر از کت پیش چشمم می‌آید.
 - ۲- آیا آوردن ساعت پاندولی اشکالی دارد؟ پاسخ همان پاسخ بالاست. اما ما فارسی زبانان به این ساعتها می‌گوییم ساعت لنگردار و فکر می‌کنم واژه جافاده‌ای است.
 - ۳- نوشته‌اند، شما که هنوز ترجمه انگلیسی کتاب را ندیده‌اید چرا در باره عنوان آن داوری می‌کنید؟ درست است که من این ترجمه را هنوز ندیده‌ام، اما عنوان انگلیسی آن بارها در اینجا و آنجا چاپ شده: *Love in the Years of Cholera* و چنان که نوشته‌ام آن عنوان دقیق تر و مأنوس تر است، دست کم به گمان من.
- ع.ک

آقای عباس اشتری

ترجمه شعر به شعر (یا نظم به نظم) اغلب کوششی است که با کامیابی کامل قرین نمی‌شود. مترجم برای رعایت وزن و قافیه در زبان فارسی بناچار خود را در قید و بندهایی می‌گذارد که حاصل آن یا انحراف از متن اصلی است یا شعری که می‌توان بر جای جای آن انگشت نهاد. ترجمه شما از شعر "گل‌های سعدی" سروده خانم دوبرد و المور* که با الهام از بخشی از گلستان** سروده شده ترجمه کم و بیش موفق است. البته بهتر بود که ترجمه منشور آن را نیز می‌آوردید تا بنده که زبان فرانسه نمی‌دانم آن دو ترجمه را باهم مقایسه می‌کردم. ما این ترجمه را همراه

* Marceline Desbordes Valmore

** یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده. آنگه که از این ماملت باز آمد یکی از یاران به‌بطریق تبساط گفت: از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟ گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامن پرکنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دهنم از دست برفت. سعدی شیرازی، *گلستان*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ سوم، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۵۰.

با ترجمه منشور بند اول آن، که کار زنده یاد استاد دکتر یوسفی است، در اینجا می‌آوریم:
 امروز صبح خواستم از برای تو گل سرخ بیاورم،
 اما دامن خود را چندان از گل انباشته بودم
 که گره های بسیار استوار آن تاب نیاورد و از هم گسست.*

Les roses de Saadi

J'ai voulu ce matin te rapporter des roses;
 Mais j'en avais tant pris dans mes ceintures closes
 Que les noeuds trop serrés n'ont pu les contenir.

Les noeuds ont éclaté. Les roses envolées
 Dans le vent, à la mer s'en sont toutes allées
 Elles ont suivie L'eau pour ne plus revenir;

La vague en a paru rouge et comme enflammée.
 Ce soir, ma robe encore en est tout embaumée...
 Respires-en sur moi l'odorant souvenir.

داشتم در خاطرم تا بامداد از بوستان
 دامنی گل آرمت، لیکن شدم از بوش مست
 آنچنان مستی که چیدم آنقدر زان هدیه ها
 تا گره زانبوه آن از بند دامانم گسست
 دامنم از دست رفت آنکه فضا پر شد ز گل
 سوی دریا ره سپرد آنگاه گل در دست باد
 هر طرف آمیخت گل با آبها، با موجها
 رفت گل با موج و تن بر راه بی برگشت داد
 آب دریا در نظر گلگون شد از انبوه گل
 یا که گویی گشت دریا زان همه گل شعله پوش
 دامنم از یاد گل امشب هنوز آکنده است
 سر به دامانم نه آنکه سینه را پرکن زبوش

اما ترجمه شعر "درون قلب خود" متأسفانه کار خوبی از آب در نیامده. چون ترجمه منشور این شعر را نوشته‌اید من فقط به ترجمه فارسی شما (به شعر) می‌پردازم. این شعر بنابر معیارهای شعر فارسی، شعری ضعیف و ناهمگون است. مثلاً "مصراع" که رخنه در دلم جوید بدین سان "راکه حالتی سنگین و قدمایی دارد با مصراع" پس این سوک و عزا علت ندارد" مقایسه کنید. یا مثلاً "ترکیب قلب محزون و ملولم" و یا دوبیت آخر این شعر که بسیار ضعیف و سست سروده شده. باز هم مثلاً این بیت: "دلیلی نیست اشکی را که این سان / درون دل که افسرده است بارد" که باز بسیار سست است و نشان می‌دهد که سراینده (یا مترجم) خواسته به هر ترتیب که شده معنایی را درون قالبی از پیش آماده جای دهد. باری، به گمان بنده، مترجم اگر خود شاعری آشنا با زبان فارسی و با وزن شعر فارسی باشد، شاید بتواند ترجمه منظوم خوبی به دست دهد، اما مترجم غیر شاعر کارش بسی دشوار خواهد بود. این ترجمه شما هم به نظر من نمی‌تواند تأثیر متن اصلی را بر خواننده فارسی زبان بگذارد، هر چند که شما برای "جفت و جور" کردن کلمات و در آوردن وزن رنج بسیار بر خورده هموار کرده باشید. ع.ک